(1)

بعرض می‌رساند

بحضرت صاحب و صاحب اختیار خود که الله صد از دو عالم وجود دیگر ولی النعمه قدیمی است ... از پرچم

طیبات ارضی و سمائی محافظت فرماید و سایه بلندپایه آن صاحب اختیار مستدام از سر این چاکر قدیمی کم نفرماید عرض بندگانی که چند سال

که این چاکر جان نثار همیشه اوقات در سرحد و غیر سرحد مشغول خدمت گذاری و جان نثاری سرکار بودم و حال

مدت چهار سال است که این پیره غلام را از ارجاع خدمات معزول فرمودید و این چاکر آنچه از

مال و دولت وجود سرکار پیدا کرده بودم در این مدت خرج و اخراجات کرده جانی بدر برده‌ام

به نهایت و معروض گردیده و بجز آن آستان صاحب قدیمی پشت و پناهی و راه برداری جای نیستم استدعا

از آن ولی النعمه قدیمی چنان است که بعد از این چهار سال دست گیری کرده این چاکر جان نثار را ممنون الغرض

بسیار زید که این چند صباحی که بقیه عمر این جان نثار باقی است بارجاع خدمات قدیمی سرافراز

و برقرار باشم و همیشه اوقات آسوده بدعاگوئی و ارجاع خدمات اشتغال نمایم و بر ضمیر سرکار

واضح است که این چاکر به هر گونه خدمات که مأمور بفرمایند از عهده بر خواهم آمد امید که استدعاهای این پیره غلام را قبول فرمایند

امر امر سرکار است

[illegible]

قربان وجودت بروم   جناب [illegible] حضرت اقدس [illegible]

دیروز [illegible] قباله فرمانفرمائی را با چند نفر از نوکرها روانه وزیرالسلطنه [illegible] کرده تشریف آوردن

سرکار را یقین دارم لهذا مختصر عریضه را از جمله واجبات دانسته جواب [illegible] نموده

عرض نماید وجود [illegible] آن سرکار عالی [illegible] شد [illegible] تشریف آوردن سرکار را

درست نمی‌دانم [illegible] چنین تلخ شده بود [illegible] خواستم [illegible] سفارت [illegible] کس

جویای احوال سلامتی سرکار و تشریف آوردن سرکار را [illegible] را مخلص [illegible] گفته

شد اگر [illegible] هرگاه سرکار تشریف نمی‌آوردید [illegible] مخلص در سفارت [illegible] کار بسیار

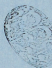
[illegible] بود [illegible] شکر خدا را آنچه طلب کردم از خدا [illegible] همت خود کامران شدم

خداوند عالم سایه سرکار را از سر مخلص کم نکند همیشه تشریف آوردن سرکار را [illegible] حال

[illegible] مرحوم میرزا زنده شده است دو بار [illegible] مخلص می‌خواهم [illegible] سالم

[illegible]





جناب جلالت و نبالت انتصاب اجل افخم دوستان مهربان مستطاب مشفق شارژدافر مکرم

از جانب سنی الجوانب سرکار اعلیحضرت اقدس همایون شاهنشاهی جلّ الله ملکه و سلطانه مقرر است در روز شنبه

بیست و هفتم این ماه ذیحجه الحرام در میدان معروف با اسب دوانی اسبهای دولت علیه ایران

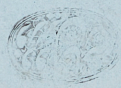
از عرض نگاه مرحمت دستگاه ملوکانه گذرانیده شود بروایند آنجناب جلالتمآب تشریف آورده بارگاه مهیا باشد

داشته باشند جا و منزل مخصوص برای نشستن آنجناب جلالت و صاحب منصبان سفارت شما حاضر

خواهد بود قبل از ظهر بقرار رسم معمول بعمارت ایستادگان و منزلی که برای نشیمن جنابعالی

در آن میدان بازدولت معین شده است زحمت کشیده خواهند آمد

تحریراً فی ۲۲ شهر ذی الحجه ۱۲۸۵



4

فدایت شوم   از روزی که [illegible] مطلب [illegible] تعجب

دلتنگی و نگرانی است   تا آنکه ده روز قبل [illegible] رقیمه [illegible] و [illegible]

همیشه به سفارش کرده بودید رقم تحریر تفصیلی [illegible]

کاغذی رسید نهایت اشتیاق و [illegible] حاصل گردید [illegible] سعادت

از اخلاق حسنه و صفات مستحسنه عالی تعریف و توصیف کردند

در حقیقت مایه تعجب و حیرت و دلتنگی [illegible] گردید که چرا

تا حال از زیارت [illegible] محروم [illegible] سعادت خدمت [illegible] گردیده

نرسیده ام و الی الآن چرا اینقدر غفلت اتفاق افتاده

عمری بود آنکه غافل از تو نشستم   تا چه عمر است که ایام [illegible] والا

نهایت اشتیاق رسیدن خدمت شریف را دارم

[illegible]

بجهت شرفیابی مأمورین دول متحابه بتهنیت دارالسلطنه تبریز از حضور مبارک حضرت اقدس
عالی ها بندگان ها [illegible] و کبری [illegible] ساعت [illegible] ها را مشفق

از رفع جناب والا ولیعهد دولت علیه ایران دامت شوکته و [illegible] الله برای عرض

تبریک خلعت مهر طلعت مرحمتی از جانب سنی الجوانب اعلیحضرت قدر قدرت اقدس همایونی

شاهنشاهی خلدالله ملکه و سلطانه روز پنجشنبه بیست و دوم شهر حال چهار ساعت و نیم

از دسته گذشته وقت تعیین شده است چون اطلاع آنها [illegible] مشفق مکرم

از [illegible] الله لهذا زحمت داده در [illegible] شهر [illegible] ۱۲۸۶



فدات شوم حضرت خانم عظمی سلمهم

دیروز فهما را از قرار شصت تومان و چهار هزار جمع فهما

خواسته بودند ۶ جای تومان و سه هزار و ده شاهی خواسته

در کاشان ... از قرار تومان چهار هزار دینار قیمت

می کنند والله اعلم ... دارد ... جمع

۲۶

جنرال قونسول مسیو شوف



جناب جلالت و نبالت انتصاباً نجابت و شجاعت اهتماماً شارژدافر [illegible]

در جواب اظهار دوستانهٔ آنجناب در باب رتبهٔ بیگلیگی کرم نام نصرانی ارمنی عیسوی ... علیه

ساکن ارومیه زحمت می‌دهد هر چند اظهار آنجناب بعرض حضور مهر ظهور اقدس همایون اعلیحضرت قدر قدرت ... دولت

شاهنشاهی خلد الله سلطانه رسید و نظر بوفور توجه خاطر خطیر اقدس همایون بر رفاه و آسایش رعایای محروسهٔ ... دولت ابد ...

اظهار دوستانهٔ آنجناب را در حق مقرب ... کرم مزبور اگرچه برتبهٔ ... جناب جلالتمآب مسموع الملک ... دولت علیه

نیز همچنان با شمول ... آنچه راجع ... دستورالعمل ... است ... شد و ...

مرحمت ملوکانه فرمان همایون صادر و بکرم مزبور داده شد محض اطلاع خاطر آنجناب زحمت ...



(8)

عالیجاها محبت و مکرمت همراها دوستان استظهارا مشفقا مکرما

در این اقبال بی‌زوال سرکار اعلیحضرت اقدس همایون شهریاری روحنا العالمین فداه ولادت با سعادت ... مسعود

حضرت اقدس ولیعهد روحنا فداه و توجه خاطر خطیر نواب مستطاب سرکار مؤید الدوله دام اقباله العالی

محفل سور و مجلس عیش و سرور در خرمی تمام و جشنی عام ... منعقد است لهذا از جهت ادراک لذت ... صحبت ... و دعوت از دوستان ... عیش

عصر روز چهارشنبه چهارم شهر ... در منزل سرکار نواب خاقان حاجی میرزا صادق خان ... تشریف قدوم فرمایند ... بهجت است

سرافراز خواهید فرمود ایام دولت مستدام

والسلام



حضرت
ارزنده ... سرکار

مقرب الخاقانا از دست ان اشتهای شعاری

اشرف و امجد و اقدس العلیه ارزانی مراجعت قرین سرکار خلد بسیار کسالت ترقیده ام

لذا هم دوراحت ... اذن مرخصی حاصل کرده سرکار خلد بسیار کسالت شوق باشند عیب دارد وقت و هم دوران

لهذا زحمت احتمال شود ... آن وقت فرمایند

در آن وقت بحضور مبارک سرکار شوم زیاده از این زحمت احتمال نمی‌شود

جناب جلالت و نبالت نصاب مجدت و مناعت انتساب [illegible]

روز جمعه پنجم همین ماه شعبان المعظم در محل معهود مشار الیه بنای [illegible] است

جا و منزل مخصوص نیز برای خانمهای نسوان سفرای عظام و اتباع سفارتها

در حجره‌ها مهیا است لهذا زحمت می‌دهد در هر گاه خاطر آنجناب

مایل باشند در [illegible] روز مزبور زحمت کشیده در عمارت محل مذکور

تشریف آورده تفرج [illegible] مرا ممنون خواهند نمود زیاده زحمت [illegible]



هو

حضرت جناب جلالتمآب مشیر کبیری عرض میشود روزنامه های فرانسه دو صفحه علیحده

و یک روزنامه چهار صفحه در یک دو ماه شهر صفر واصل شد لکن از بابت الحاقی کتاب نکال

تعجب دارد که بر قیمه مخصوص [illegible] بعضی [illegible] ضمناً عرض میشود [illegible] علمای [illegible] و بلاد شما

و در بلاد بیت المقدس و در [illegible] فرانسه [illegible] است و [illegible] بیت المقدس

و مدت [illegible] کلمات [illegible] خسارت و خارج مملکت

از [illegible] [illegible] [illegible] بلکه [illegible]

رسم [illegible] [illegible] [illegible] میشود [illegible] ارسال

مجبور نماید اگر رضای خاطر [illegible] [illegible] گفته

[illegible]



(12)

عالیجاها مجدت و نجدت همراها دوستا مشفقا مهربانا

قطعه فرمایک که بعنوان مقرب الخاقان میرزا یوسف خان شرف صدور یافته

نیز فرمایش دیگر که بعنوان مقرب الخاقان حاجی محسن خان شرف صدور یافته بود ملفوف میگردد

نمودن که بدست موثق ایشان ارسال شود بجهت حمیت کشیده ورق ملفوف الیها

سفارت عالیشأن را البته اطلاع دارید همیشه زحمت میدهد منتظره

باهمین چاپار روانه خواهند نمود و دستور از راه مهر حرام بیشتر حمام





جناب جلالت و نبالت القاب نجابت و مناعت انتساب دوستان استظهارا مشفق مهربانا

با اقتضای سالهای راشده برای تقدیس همایون اعلیحضرت قوی شوکت شاهنشاهی دام سلطانه و جلاله

[illegible] زحمت افزای اینجانب بوده روز یکشنبه هفتم شهر ذی الحجة الحرام که روز عید سعید نوروز

و جشن فرخنده فیروز است سلام میمنت فرجام عید در حضور انور همایون مسعود خلد الله ملکه و اجلاله روز سه شنبه ساعت

زودتر که نوبت شرفیابی جنابان سفرای دول متحابه و عرض تهنیت ایشان قرار معین شده است لهذا زحمت گردیده

در کمال احترام زحمت افزا میشود که آنجناب جلالتمآب با اتباع سفارت دولت متبوعه معظمه [illegible] یک ساعت

در ساعت مزبور در گلستان مبارکه بحضور رسانند و بعد از صرف شربت و چای [illegible] و در

حضور مهر ظهور همایونی حاضر فرمایند زیاده زحمت افزا است

۱۴

۹

قربانت شوم

تعلیقه رشیقه از شیراز [illegible]

مرقوم فرموده بودند در اکثر ازمنه ها ترک شعر گفته حول

می‌بودم بهم وجود مبارک سرکار بود نه هیچ شعر اصلی قصیده گفته

شکرگذاری را کجا آورده در شأن جناب شریف آوردم

سرکاری مرقوم داشته بودند جهت تاخیر اظهار ارادت کمترین

کمترین تا اینجا هیچ قصیده در عالم فراهم نیاورده

زهی شرف فرمایش کمترین را سرافراز فرموده

بلکه از مرحمت سرکار عالی از کمالات سر دل آمده

[illegible]









جناب مکرما امروز که شنبه دهم شهر رجب المرجب میباشد رقعه محبت رسیده

بود این جانب واصل شد و از مضمونش خوشنود و خوشحال شدیم در همان روز کاغذی از عالیجاه حسینعلی آقا آمد

ایشان میگویند که نگین را بدست شما میرسند که به بنده برسانید توقع میکنم هرگاه پیش شما رسیده باشد زحمت کشیده بهر این طرف

برسانید دیگر آنکه نایب حاجی صادق نوکر ترجمان یک مبلغ سی تومان را بدهید و در حساب ما بگذارید چند روز پیش از

این جناب سرکار ایلچی صاحب شما یک برات را مبلغ صد و پنجاه تومان فرستادند ان شاء الله تعالی بدان جناب رسیده است

دیگر یک ساعت مال میرزا مهدی در دست شما است چون او را از میرزا خریدم هرگاه که حاجی بابای چاپار روانه میشود

ساعت را همراه او ارسال بکنید در باب بالت را فرستادن ترجمان یک شما خواهد نوشت مکرر میکنیم که

نگین را البته ارسال نمائید زیاده زیاده است

شکر و سپاس فزون از وهم و قیاس خالقی را سزاست که در کار مقصود ابتدا امر کالبد چهره لائق نمود و درود تحیات و عنبر محبت و نور بر محمد محمود

و صلوة بر حبیب و وصی مطلق و آله الطاهرین صلوات الله و بعد چنین اطفال دبستان تعلیم و ترسیم قواعد فرامین ملل الله قلقم صنم الفاظ نامه نگاری و احکام دول

خطوط ابیات الرقیمت آنست قدر عملی عطایا کلیه سطری از اهل الطریق حروف رسم و قوم تحمسوعه موسوم ساخت مشتمل کتب بر پنج باب

باب اول در نامجات و فرامین و ولایات و عرایض و احکام تا رحمه بالکرم کار کارخانه های چه ادیبه تو تا

که ناتوان بنده را مرگ کسی چه ادی و ادی و نگارش نامه و ... را قدر فرمان روایی هیچ چه می هم در

بند طاعت آگاهی و ... طالع مرلوبه معمم میگردی رهی حجلت سر بر بساط سرای سعدم از کرم رور فرویت

شکر و سپاس فزون از وهم و قیاس خالقی را سزاست که در کارگاه وجود بلا مشارکت چهره گشا نمود و در رقعهٔ تجلی عنبر صحیفهٔ وجود بر نعمت محمود

فصلی بر حق و وصی مطلق و در آل و اصحاب طاهرین او باد صلوات الله و بعد چنین طفلان دبستان را تعلیم و ترسیم قواعد فرمائیم ولله الحمد صیغ صوابط بتکرار و احکام دور است

خطوط ماضی باب الرسم فهرست قوی عمل تحقیق سطری از ابواب الطریق مرقوم تحریر عالیه موسوم ساخت که مشتمل است بر پنج باب

باب اول در بیان و در امانت و السلام و عرایض و احکام بارچه ابا کار آن را حساب آن به دو بار

ناتوان بنده را لیس چه اثر وادی و نظر مانده را قدر فرمان روای هیچ چه بود در

بد طاعت آکنده و طالع مرتبه مگر دنی رهی حجلت پس بر سر معلوم از کرم روز فردا